

حصارهای دفاعی و تأمین امنیت شهر تابران توس در دوره‌ی اسلامی

حسین کوهستانی اندرزی¹، هومن ملکی²، محمدصادق صداقت‌مند³، محمدحسین موفق⁴

تاریخ دریافت: 1398/05/08
تاریخ پذیرش: 1398/07/15

از صفحه 1 تا 22

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ انتظامی
سال ششم، شماره بیست‌ودوم، پاییز 1398

چکیده

توس یکی از مهم‌ترین شهرهای خراسان تا اواخر قرن هشتم هجری به حساب آمده و چهار شهر را شامل می‌شده که بزرگ‌ترین آن‌ها تابران بوده، و اکنون دیگر شکوه دیرین خود را از دست داده است. کاوش‌های باستان‌شناسی بقایایی از حصارهای دفاعی جهت تأمین امنیت آن کهن‌شهر را کشف نموده است. با ورود اسلام به سرزمین ایران و تأکید بر اهمیت تأمین امنیت، مردم ایران که در زمینه‌ی امنیت یکی از محافظه‌کارترین ملت‌ها در طول تاریخ بوده‌اند، بیش از پیش با روش‌های گوناگونی در جهت تأمین امنیت اقدام نموده‌اند. از این‌رو هدف از پژوهش حاضر یافتن روش‌های تأمین امنیت تابران توس با احداث حصارهای دفاعی مانند دروازه‌های شهر و... با تکیه بر متون تاریخی و گزارش‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی می‌باشد. جهت نیل به هدف پژوهش از روش تاریخی و رویکرد کیفی همراه با توصیف و تحلیل منابع اسنادی بهره‌گیری شده است. نتایج حاصل از مطالعه‌ی توصیفی اسناد و منابع کتابخانه‌ای و تحلیل آن‌ها حاکی از آن است که حضور نگهبانان در دروازه‌ها، بسته بودن دروازه‌ها در شب هنگام، احداث اتاق‌هایی جهت استراحت مسافران شب در خارج از دروازه، نحوه‌ی ساختار پی‌ها، قطر عریض دیواره‌ها، ارتفاع دیواره‌ها، شیب‌دار بودن دیواره‌ها و استفاده از مصالح با کیفیت و مرغوب و نیز سیاست‌های حکومتی، در تأمین امنیت شهر تابران توس مؤثر بوده‌اند. حصارهای دفاعی شهرها یکی از عوامل تأثیرگذار در تأمین امنیت جان و اموال مردم در مقابل یورش مهاجمان بوده است، از این‌رو بررسی نقش حصارهای دفاعی تابران توس مانند دروازه‌ها و... در تأمین امنیت آن شهر شایسته‌ی توجه خواهد بود.

کلید واژه‌ها

توس، تابران، حصارهای دفاعی، امنیت.

1- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول). hkoohestani@birjand.ac.ir

2- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا

3- دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند

4- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری، دانشگاه خيام

مقدمه

گسترده‌گی سرزمین ایران در کنار تنوع پستی و بلندی‌های آن شرایطی را به وجود آورده است که انسان ساکن بر آن می‌بایست با خلاقیت، درایت و تیزهوشی، برای حفظ و استمرار تمدن و امنیت محل اسکان خود، در هر ناحیه‌ی آن تدابیری خاص اندیشیده و در هر زمان و با هر رخداد تاریخی، تجربه‌ای جدید آموخته و آن را همچون یافته‌ای ارزشمند به نسل‌ها و عصرهای بعد منتقل نماید. به کارگیری این تجربه‌ها رمز بقا و موفقیت او در مقابله با طوفان بنیان‌کن حوادث و تهاجمات وسیع دشمنانی از قبیل ترک‌ها و مغول‌ها و فاتحانی چون تیمور بود (پازوکی طرودی، 1376: 102). یکی از ساده‌ترین روش‌های مقابله با خطرات این بود که دیواری بر گرد محل سکونت خویش بنا کنند و زیستگاه خود را در آن ایمن سازند. پس نوعی بنای محصور، متناسب با وضعیت و شرایط طبیعی و جغرافیایی پدید آمده که قلعه‌ی جلگه‌ای یا دشتی نام گرفت (همان: 224) و شهر تابران نیز در این دسته جای گرفته است. علاوه بر مراجع کتابخانه‌ای در حوزه‌های متنوع علمی که از زوایایی گوناگون به مبحث امنیت و مسائل مربوط به آن پرداخته‌اند، پژوهش‌های متعددی نیز در ارتباط با مبحث امنیت صورت پذیرفته است. متناسب با هدف پژوهش حاضر، نگارندگان چند پژوهش مرتبط با محوریت امنیت در شهرهای تاریخی را جست‌وجو نموده‌اند. در پژوهش رشید و پیش‌کار (1393) با عنوان «تبیین عوامل افزایش امنیت شهر»، امنیت از نعمت‌های بزرگ در ساختار شهری قلمداد شده و به طور مستقیم در فعالیت‌های مادی و معنوی انسان‌ها تأثیرگذار است. پژوهش صالحی و روشنایی بدر (1394) با عنوان «مبانی شکل‌گیری امنیت در طراحی کالبدی فضاهای شهرهای اسلامی»، به امنیت به عنوان پیش‌زمینه‌ی یک اجتماع سالم و بسترساز توسعه‌ی جوامع انسانی نگریسته است. رضایی و اسمعیل‌پور (1396) در پژوهشی با عنوان «روش‌های تأمین امنیت در شهرهای اسلامی در قدیم»، عوامل تأمین امنیت در شهرهای اسلامی را به دو دسته عوامل درونی (استفاده از ارزش‌ها و تقویت اخلاق، تقوا و...) و عوامل بیرونی (نیروی انسانی، ابزار دفاع شامل دروازه و...) تقسیم‌بندی کرده‌اند، و بر طبق این پژوهش، عوامل درونی زیربنای عوامل بیرونی بوده و عوامل بیرونی مکمل عوامل درونی شمرده شده‌اند. پر واضح است که هر پژوهشی ضمن پاسخگویی به پاره‌ای از مسائل مرتبط با شرایط مکانی و زمانی که

طبیعتاً همسو با دیدگاه و حوزه‌ی فکری نگارندگان آن بوده و در راستای تحقق آن تلاش نموده‌اند، لایه‌هایی پنهان از دیگر زوایای مرتبط با آن موضوعات و مسائل را برای سایر پژوهشگران به همراه آورده و فرصت‌ها و ایده‌های جدیدی را برای تشویق آن‌ها در حرکت به سوی پژوهش‌هایی بدیع فراهم نموده است. بی‌شک هر چه مسئله محدودتر باشد پاسخ آن دقیق‌تر و قابل استنادتر است. از این‌رو هدف از پژوهش حاضر یافتن روش‌های تأمین امنیت شهر تاریخی تابران توس با احداث حصارهای دفاعی مانند دروازه‌های شهر و...، با تکیه بر متون تاریخی و گزارش‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی می‌باشد. به دیگر سخن، نگارندگان در پی یافتن پاسخ به این پرسش هستند که نقش حصارهای دفاعی شهر تابران توس در تأمین امنیت آن شهر چگونه بوده است؟. این پژوهش به روش تاریخی و رویکرد کیفی همراه با توصیف و تحلیل منابع اسنادی صورت پذیرفته است.

جهت نیل به هدف پژوهش، مقاله‌ی حاضر بعد از مقدمه در پنج بخش ارائه گردیده است. در بخش اول، شهر توس کهن و چهار شهر اصلی آن معرفی گردیده و شرحی از وقایع تاریخی آن دیار در قبل و بعد از اسلام ارائه شده است. بخش دوم نحوه‌ی شکل‌گیری شهر تابران توس را مورد بررسی قرار داده و در بخش سوم، ارگ تابران توس مطابق با کاوش‌های باستان‌شناسی و یافته‌های حاصل از آن معرفی گردیده است. بخش چهارم، دروازه‌های تابران توس را که عبارتند از: 1- دروازه‌ی مرو؛ دروازه‌ی جنوب شرقی، 2- دروازه‌ی رزان؛ دروازه‌ی شمال شرقی، 3- دروازه‌ی نیشابور (رادکان)؛ دروازه‌ی شمال غربی، و 4- دروازه‌ی رودبار، به عنوان حصارهای دفاعی و امنیتی مورد مطالعه قرار داده است. در بخش پنجم نتایج حاصل از مطالعه‌ی توصیفی اسناد و منابع کتابخانه‌ای، تحلیل و ارائه گردیده است.

شهر تاریخی توس

توس شهری بسیار قدیمی است که بنا به نقل از منابع تاریخی قدمت آن به دوران قبل از اسلام و حتی به قبل از تاریخ رسیده است (قصابیان، 1377: 17). در کتب جغرافیایی کهن، توس را سرزمینی وسیع و ناحیه‌ای در خراسان معرفی نموده‌اند که در میان کوه‌های اژدرکوه، و دو رشته‌کوه بینالود و هزار مسجد قرار گرفته و از جاهای بسیار

حاصل خیز و شاداب به شمار رفته است. این سرزمین با شهرستان‌های امروزی مشهد، طرقلبه و شانديز، چناران و قسمتی از فریمان مطابقت داشته و همچون دره‌ای به مساحت دویست و پنجاه کیلومتر مربع وسعت داشته و البته در بعضی منابع وسعت آن در حدود شصت هزار کیلومتر مربع برآورد شده است (بختیاری شهری، 1388: 35). هانری رنه دالمانی در سفرنامه‌ی «از خراسان تا بختیاری» درباره‌ی شهر توس چنین آورده است: «خرابه‌های توس در 25 کیلومتری شمال غربی مشهد واقع است. محیط این شهر در قدیم 7 کیلومتر بوده و هنوز هم بقایای برج و بارو و استحکاماتی که در اطراف آن بوده دیده می‌شود» (موسوی، 1370: 17). این سرزمین کهن بزرگان، نام‌آوران و اندیشمندانی همچون حکیم ابوالقاسم فردوسی، عبدالرزاق توسی، خواجه نظام‌الملک توسی، شرف‌الدین توسی، امام محمد و امام احمد غزالی و... در دامان خود پرورش داده است (همان: 7).

منابع تاریخی توس را شامل دو شهر بزرگ و دو شهر کوچک دانسته و مجموع آن چهار شهر را توس نامیده‌اند (حناچی و صابری کاخکی، 1385: 57). در نخستین سده‌های اسلامی ناحیه توس جزئی از ولایت نیشابور قلمداد می‌شد و چهار شهر اصلی به اسامی تابران، نوغان، رادکان و تروغبذ در آن قرار داشت (اصطخری، 1368: 205 به نقل از بختیاری شهری، 1388: 35). مقدسی تابران را بزرگ‌ترین شهرهای ناحیه‌ی توس و دارای بارو و بازار عنوان کرده است: «... تابران بزرگترین شهرهای توس است بارو دارد. من از دور آن را به یثرب همانند کرده‌ام. بازار گرم، پیران بزرگوار، بازرگانان و درآمد‌های بسیار دارد. جامع در بازار است و آن را عبدالرزاق نقاشی کرده است. کاریزها و چاه‌های کم گود و پر آب دارد نرخ‌ها ارزان، هیزم بسیار و میوه نیکو دارد...» (مقدسی، 1361: 451). شهر تاریخی تابران توس تا پیش از پیدایش شهر مشهد همراه با نوغان از مهم‌ترین مناطق ولایت توس در دوران اسلامی به شمار می‌آمده است. امروزه توس یا فردوسی عنوانی است که برای شهر قدیم تابران به کار رفته و شامل چند روستای کوچک به نام‌های توس سفلی، توس علیا و اسلامیه، محصور در حصار کهن تابران و همجوار با آرامگاه فردوسی است. این ناحیه در 31 درجه و 59 دقیقه‌ی طول جغرافیایی شرقی و در 29 درجه و 36 دقیقه‌ی عرض جغرافیایی شمالی و در بلندی 970 متری از

سطح دریا و در دشتی معتدل و خشک در 24 کیلومتری شمال غربی شهر مشهد واقع شده است (حسینی و دیگران، 1386؛ حناچی و صابری کاخکی، 1385: 57).

شهرت و اعتبار سرزمین توس در رویدادهای تاریخی قابل جست‌وجو می‌باشد و در ادوار قبل و بعد از اسلام مورد مطالعه قرار گرفته است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت پیش از آن‌که نام توس در نقشه‌های جغرافیایی به چشم آید، در متون تاریخی یافت شده است و از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی مرتبط با آن می‌توان به تدوین شاهنامه‌ی فردوسی اشاره نمود (موسوی، 1370: 7). وجود برخی روایات اساطیری که بنیان‌گذاری توس را به جمشید شاه پیشدادی نسبت داده‌اند، قدمت توس را به دوران ماقبل تاریخ کشانیده و به آن قطعیت بخشیده است. بر اساس یکی از این روایات، توس بن نوذر - سپهبد معروف کیخسرو پادشاه کیانی - پس از افول سلطنت شاه که توس دستخوش ویرانی گردیده است، به تجدید بنای آن همت گذارده و نام خود را بر این شهر نهاده و سپس حدود نهمصد سال در آن‌جا زیسته است (قصابیان، 1377: 48). دیاکونوف در کتاب «تاریخ ماد» اشاره‌ای به توس داشته است: «روایات متأخر قرون وسطی به تقریب متفق‌اند که زرتشت از مردم ماد بود، ولی درباره‌ی ویشتاسپ، حامی وی که عرصه‌ی وعظ و تبلیغ او بوده است در باخ (تختگاه باختران - باختر باستانی) و یا توس (در خوراسان - پارشه) قرار داشته است». در اوستا، نام‌های قبلی ولایت توس «اورو» و «اوروا» آمده و بنا به روایت دکتر مشکور در تاریخ ایران باستان زمانی هم «سوزیا» نام داشته است (تاتاری، 1388: 13). همچنین در شاهنامه‌ی فردوسی (بلاذری، 1364) و دیگر منابع نظیر ایران‌شهر (مارکوارت، 1373)، روزگاران (زرین‌کوب، 1374)، تاریخ نیشابور (مؤید ثابتی، 1355)، تاریخ مردم ایران (زرین‌کوب، 1371)، اخبار الطوال (دینوری، 1368) و لغت فرس (اسدی توسی، 1365) از وقایع تاریخی توس و ماتبع آن در قبل از اسلام سخن به میان آمده است.

در دوران بعد از اسلام نیز سرزمین توس وقایع گوناگونی را به خود دیده است. بلاذری فتح توس را به دست قوای عرب این‌چنین شرح داده است: «خلیفه عثمان بن عفان در سال 30 هجری عبدالله بن عامر را به غزوه بلاد خراسان فرستاد و پس از آن‌که شهرهای نیشابور، سرخس، طبسان و غیره به تصرف اعراب درآمد، کنارنگ مرزبان شهر توس خود به نزد عبدالله آمد و برای استخلاص شهر از قتل و غارت با او صلح‌نامه‌ای در

قبال پرداخت ششصد هزار درهم منعقد ساخت و شهر بدین طریق بدون جنگ و خونریزی به تصرف سپاهیان اسلام درآمد» (بلاذری، 1364: 412). از وضعیت توس در قرون اول اسلامی و به ویژه در دوره‌ی حکومت خاندان اموی چندان اطلاعی در دست نیست، شاید مهم‌ترین واقعه‌ی صد سال اول توس پس از اسلام، مهاجرت و سکونت و سپس وفات ربیع بن خشم از یاران حضرت علی (ع) و از زُهاد ثمانیه به منطقه‌ی نوغان توس است. وی در سال 36 - 35 هجری به خراسان مهاجرت کرده و در سال 61 یا 63 هجری در نوغان توس فوت و سپس در همان‌جا دفن شده است (مدیرشانه‌چی، 1345: 4). با توجه به حضور ربیع بن خشم، هارون الرشید و امام رضا (ع) در نوغان، ظاهراً نوغان در 3 قرن اولیه‌ی اسلام دارای اهمیت و اعتبار بیشتری در نزد مردم و بخصوص اعراب حاکم بر ایران نسبت به تابران بوده است. مطالعات و تحقیقات تاریخی کوشیده است وضعیت تابران را در این سه سده مشخص کند ولی تاکنون به نتیجه‌ی روشنی نرسیده است و در این میان کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر روشن ساخته که سابقه‌ی تاریخی تابران و این نقطه که اکنون به شهر توس و فردوسی مشهور است، قدمتی فراتر از سده‌های دوم و سوم هجری ندارد و مدنیت جدی و قابل توجه در تابران، از سده‌ی سوم به بعد آغاز شده است. همین امر، این فرضیه را که توس کهن در منطقه‌ی دیگری به غیر از منطقه‌ی تابران کنونی قرار داشته را تقویت کرده است (طغرایبی، 1379).

پس از روی کار آمدن حکومت صفویان در سال 907 هجری، تابران بیش از پیش به دست فراموشی سپرده شد، زیرا با توجه خاص شاهان صفویه به مذهب تشیع و وجود مرقد امام هشتم شیعیان در مشهد، این شهر بیش از پیش مورد توجه شاهان صفوی قرار گرفت و در نتیجه رو به گسترش و توسعه نهاد. در مقابل تابران از این پس هر روز بیش‌تر از روز پیش رو به ویرانی می‌رفت و در نتیجه شهر در این دوره تبدیل به چند روستای کوچک شده بود. علاوه بر دلیل مذهبی شاهان صفوی، عوامل دیگری نیز در افول رونق شهری تابران نقش داشتند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به انتقال آب چشمه گیلان در دوره‌ی تیموری به مشهد اشاره کرد. این چشمه که قبل از انتقال به مشهد، آب شهر تابران را تأمین می‌کرد پس از انتقال آن به مشهد شهر تابران را با بحران کم‌آبی شدیدی دست به گریبان کرد و همین امر امید حیات مجدد تابران توس را برای همیشه از بین برد، چنان‌که امروزه نیز بسیاری از زمین‌های کشاورزی منطقه‌ی تابران به

علت عدم وجود آب کافی به صورت بایر و لم‌یزرع رها شده است (بارتولد، 1372: 132). علاوه بر آن چه که تا اینجا شرح داده شد، در دیگر منابع نظیر تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (اشپولر، 1369)، تاریخ بخارا (نرشخی، 1363)، تاریخ یعقوبی (یعقوبی، 1343)، اخبار الطوال (دینوری، 1368)، زین الاخبار (گردیزی، 1347)، مجمع الانساب (شبانکاره‌ای، 1363)، سلسله‌های اسلامی جدید (باسورث، 1371)، زبده التواریخ (حافظ ابرو، 1380)، مکاتیب فارسی غزالی (غزالی، 1362)، تاریخ دولت خوارزمشاهیان (قفس اوغلی، 1367)، منتخب التواریخ (خراسانی، 1388)، تاریخ جهان‌گشای جوینی (جوینی، 1365)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر (خواندمیر، 1353)، سفرنامه‌ی خانیکوف (خانیکوف، 1375)، و طرح شناخت تابران (لباف خانیکی و بختیاری شهری، 1380) نیز از وقایع تاریخی توس در ادوار بعد از اسلام سخن به میان آمده است. پس از معرفی شهر تاریخی توس و مرور تاریخ آن دیار در قبل و بعد از اسلام، اکنون به نحوه‌ی شکل‌گیری شهر تابران توس و معرفی مهم‌ترین آثار به جای مانده از آن دیار پرداخته شده است.

شکل‌گیری شهر تابران توس

قبل از پرداختن به نحوه‌ی شکل‌گیری شهر تابران، ابتدا به معرفی ساختار کلی شهرهای ایرانی پرداخته شده است. به طور کلی در شهرسازی سنتی ایران، شهر به سه فضای مشخص کهن‌دژ (فضای حکومتی و اداری شهر)، شارستان (فضای پیرامون کهن‌دژ) و ربض (فضای بیرونی گرداگرد شهر) تقسیم می‌شده است (شیعه، 1378: 5). «کهن‌دژ» واژه‌ای است مشتق از دو کلمه‌ی کهن (قدیمی) و دژ (ساختمان نظامی و دفاعی)؛ مرتفع‌ترین قسمت شهر همراه با برج و بارو که با ایفای نقش اداری و سیاسی، دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ی بناهای حکومتی و مسکونی حکام و امرای شهر بوده است. در قبل از اسلام به کهن‌دژ «کیاخز» نیز می‌گفتند. مرکز شهر شامل دکان‌ها، خانه‌ها و... که برگرداگرد ارگ یا کهن‌دژ ساخته شده و دارای حصار بودند، «شارستان» نامیده می‌شد. خارج از حصار شارستان که شامل کشتزارها و مزارع با اهمیتی کم‌تر از دو بخش دیگر و محل سکونت بازرگانان، کسبه، پیشه‌وران، روستائیان و طبقه خراج‌گذار بود، «ربض» نامیده می‌شد (پازوکی طرودی، 1376: 26؛ شیعه، 1378: 192). در دوران اسلامی

فضای حکومتی که در میان شهر قرار داشت، جای خود را به فضای اجتماعی (مسجد و تأسیسات مذهبی) داد. فضای حکومتی نیز از فضای اجتماعی و مرکزی شهر فاصله گرفته و در کناره‌های از شهر قرار گرفت. شالوده‌ی شهر ایرانی در چهار عامل اصلی قابل تشخیص بوده و عبارت است از: فضای مسکونی (محلّه)، فضای اقتصادی (بازار و بازارچه)، فضای تأسیساتی (آب‌انبار، گرمابه، مسیرهای آب، فضاهاى باز و...) و فضای مربوط به شبکه‌ی راه‌ها (شیعه، 1378: 5).

یکی از شرایط انتخاب موقعیت یک شهر در گذشته این بوده است که مکان به طور طبیعی مستحکم باشد و کشیدن حصار، استحکامات طبیعی را کامل کرده و این امکان را برای مردم فراهم کند تا در صورت لزوم از شهر خود دفاع کنند (عبدالستار عثمان، 1376: 119 به نقل از حسینی و دیگران، 1386). از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری شهر تاریخی تابران می‌توان به وفور منابع آب در اطراف شهر، خاک حاصل‌خیز منطقه، آب‌وهوای مناسب منطقه، و اهمیت نظامی و سوق‌الجیشی آن اشاره نمود. چون منطقه‌ی توس از طریق دره‌ی کارده به دژ و قلعه‌ی کلات که مشرف بر دشت خاوران است منتهی می‌گشت، از دیرباز دارای اهمیت نظامی و سوق‌الجیشی مضاعف بوده است. بنابراین یکی از علل عمده‌ی شکل‌گیری شهر تابران توس به مانند شهر باستانی توس، همین موقعیت خاص نظامی و دفاعی این شهر بوده است. و برعکس عواملی نظیر عدم وجود موانع دفاعی طبیعی، دور بودن نسبی از راه‌های عمده‌ی تجاری، و تغییر شرایط زیستی با انتقال آب چشمه گیلان به مشهد باعث انحطاط شهر تاریخی تابران توس گردیده است (حسینی و دیگران، 1386). امروزه بر روی این سند معتبر تاریخی و فرهنگی ایران دره‌ی اسلامی، آثار معماری ارزشمندی همچون بقعه‌ی هارونیه، مقبره‌ی فردوسی، حصارهای دفاعی شهر که در نوع خود از سالم‌ترین حصارهای دفاعی شهرهای ایران در طول دوره‌ی اسلامی محسوب شده و نیز ارگ حکومتی، باقی مانده است (حسینی و دیگران، 1386) که هر کدام با ویژگی‌های معماری منحصر به فرد خود یادآور دوره‌ای از تاریخ آن دیار است. همان‌طور که گفته شد یکی از آثار مهم تاریخی شهر تابران توس، ارگ و حصارهای دفاعی آن بوده که در نوع خود از سالم‌ترین حصارهای دفاعی شهرهای ایران در دوره اسلامی به حساب آمده‌اند. امروزه با فعالیت‌های باستان‌شناسی بقایایی از آن آثار کشف و مورد حفاظت قرار گرفته، اما

متأسفانه باید گفت که در حالت کلی شهر تابران توس نسبت به گذشته، به عرصه‌ای متشکل از اتلال و ویرانه‌ها و همچنین چند روستای محقر که در آن جای گرفته و ماندگار شده‌اند تبدیل گشته است (موسوی، 1370: 45). در ادامه پیرامون معرفی یکی از مهم‌ترین آثار به جای مانده از تابران یعنی ارگ توضیحاتی ارائه شده است.

ارگ یا حاکم نشین تابران توس

ارگ نام مکانی خاص و از نظر ریشه‌شناسی به جای مانده از زبان پهلوی است. در فرهنگ‌های مختلف تعبیر گوناگونی از آن شده است، از جمله قلعه‌ی مستحکم، عمارت حکومتی، قصر یا کاخ و یا قلعه‌ی کوچکی که در میان قلعه‌ی بزرگ‌تر ساخته شود. این بخش از قلعه در بلندترین نقطه‌ی شهر یا قلعه و بر فراز تپه‌ای طبیعی یا مصنوعی و یا در قسمت انتهایی هر قلعه بنا می‌گردید و مقر حکمران قلعه بود. بناهای این قسمت از نظر نوع مصالح، ابعاد و اندازه و زیبایی با سایر ساختمان‌ها، تفاوت‌هایی داشت و عموماً مستحکم‌تر، وسیع‌تر و مجلل‌تر بودند. در جریان تهاجمات و حملات به شهرها، ارگ آخرین نقطه‌ای بود که در آن مقاومت صورت می‌گرفت و تا این محل فتح نمی‌شد، دشمن نمی‌توانست خود را فاتح بداند. نگهبانان، تیراندازان و دیگر مدافعان قلعه در برج و باروی ارگ موضع می‌گرفتند و آخرین تلاش خود را برای شکست دشمن و دفع آن‌ها به کار می‌گرفتند. از ناحیه‌ی ارگ نیز نقب‌هایی به بیرون از قلعه راه یافته و گاه تا دو سه فرسخ امتداد می‌یافت. اگر آخرین کوشش‌ها برای دفع دشمن نتیجه می‌داد، حکمران از راه‌های مخفی و زیرزمینی، برای اخذ کمک از دیگر شهرها و روستاها از قلعه خارج می‌شد و گاه مدت زیادی طول نمی‌کشید که با سپاه‌یانی به قلعه باز می‌گشت و به دفع دشمن می‌پرداخت (پازوکی طرودی، 1376: 228).

طرح اغلب ارگ‌های دوره‌ی اسلامی در خراسان به شکل مربع یا مستطیل بوده است. در داخل اغلب آن‌ها بنایی چون کاخ، دارالضرب، مسجد، حمام، آب‌انبار، مهمانسرا، دیوان‌خانه و کتابخانه وجود داشته است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 329). در کاوش‌های به عمل آمده از ارگ تابران مشخص گردیده که این بنا دارای فضاهای معماری متراکم و تعدد فضاهای متنوعی بوده که وجود برج‌هایی جهت دفاع، از بارزترین این فضاها بوده است. طرح اولیه‌ی ارگ دارای پلان مستطیلی شکل منظم و دارای

ابعادی مشخص بوده که از قدمت بیشتری نیز برخوردار است. این محدوده‌ی مستطیل شکل مدت زمانی طولانی به‌عنوان ارگ توس مورد استفاده قرار می‌گرفته و در واقع جایگاه اصلی ابنیه و عمارات حکومتی توس به شمار می‌آمده است. شواهد حاکی از آن است که در هر گوشه‌ی این ارگ، برجی استوانه‌ای ساخته شده که اندازه‌ی قطر این برج‌ها با هم متفاوت است. همچنین در میانه‌ی دیوارهای طولی آن نیز دو برج نیم‌استوانه‌ای تعبیه گردیده که از میان برج نیم‌استوانه‌ی شمالی به جایگاه ورودی ارگ به درون منتهی می‌شود. برج‌ها و نیم‌برج‌ها در ارتفاعات بالا به صورت توپر ساخته شده‌اند اما بررسی‌ها نشان داده که ممکن است داخل آن‌ها در قسمت پایین‌تر نیز خالی بوده باشد. شالوده‌ی دیوارهای ارگ از مخلوط نخاله‌های ساختمانی، ملات گچ و آهک ساخته شده و مصالح دیوارهای آن از ابتدا تا ارتفاع مشخصی از نوع گل ورز داده شده است که در سه مرحله روی هم قرار گرفته و سپس با خشت‌های خام به طرف بالا امتداد یافته است. دیواره‌ی خشتی به طرف بالا همچنان با ترکیبی از خشت و آجر و چینه ادامه یافته که ملات بین آجرها از گل و گچ است، چینه‌ها هم از نوع بسیار محکم و سفت است. چنین ترکیبی از دیواره‌ی قلعه علاوه بر بالا بردن استحکام و دقت در ساخت، زیبایی و استواری آن را نیز به همراه داشته است (لباف خانیکی و دیگران، 1394:330).

طرح به دست آمده حاصل از مرحله دوم کاوش در ارگ تابران، شامل حصارِ گلی است که از ارگ اول بزرگ‌تر و پس از متروکه شدن ارگ قدیمی، پیرامون و بر روی آن ساخته شده است. علاوه بر وجود چهار برج مدور در گوشه‌های این ارگ، سه برج نیم‌استوانه‌ی دیگر هم در میانه‌ی اضلاع شمالی، جنوبی و شرقی آن ساخته شده است. اندازه‌ی نیم‌برج‌های اضلاع شمالی و جنوبی با برج‌های مدور نیز متناسب ولی نیم‌برج ضلع شرقی کمی کوچک‌تر بوده است. برخلاف دیوارهای توپر، قسمت‌های داخلی برج‌ها توخالی بوده و به صورت دو اشکوبه‌ای ساخته شده‌اند که طبقه‌ی بالایی آن‌ها بدون سقف بوده و به عنوان محل پاسبانی از آن‌ها استفاده می‌شده است. همچنین عمده‌ی مصالح به کار رفته در این ارگ از گل ورز داده شده مخلوط با شن ریز بوده و در لابه‌لای این ملات قطعه‌های خشت خام به عنوان پرکننده به کار رفته است. و نیز شواهد حاکی از مرتفع بودن این ارگ داشته و ضخامت دیوارهای آن از پائین به بالا دارای روندی کاهشی بوده و

نمای آن شیبی نسبی به سمت بیرون داشته است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 330). در حالی که از شهر تابران جز باره‌ی نیمه‌ویران آن چیزی باقی نیست همین اندازه از برج و باره و انگاره‌ی ارگ که سلامت مانده محل تأمل است، اما این سلامت نسبی نه تصادفی و یا به سبب استحکام بیش‌تر ارگ، بلکه بر اثر تجدید بناهای مکرر آن بوده است. به گواهی تاریخ پس از آن که میرانشاه پسر تیمور در سال 791 ه.ق توس را به خاک و خون نشاند تقریباً دیگر آبادی در آن نماند و رو به ویرانی نهاد. اما ارگ یا قلعه‌ی توس تا یکی دو قرن بعد هم محل استقرار یا مورد استفاده‌ی نیروهای حکومتی خراسان بود (حافظ ابرو، 1380: 336). صد و چند سال بعد و در زمان شاه تهماسب صفوی به سال 933 ه.ق نیز که از یک‌های سیبانی به زعامت عبیدالله خان به مشهد حمله کرده بودند، خانواده‌ی حاکم مقتول مشهد به نام «برون سلطان» به قلعه‌ی توس پناهنده شدند، که البته از یک‌ها قلعه را محاصره و تخریب کردند (میرمنشی قمی، 1383: 171). کاوش‌های اخیر باستان‌شناسان در محوطه‌ی ارگ، که به صورت گمانه‌زنی در جای‌جای آن انجام شده، می‌نمایند که آغاز حیات ارگ نیز مانند خود شهر تابران به قرون اولیه‌ی اسلامی می‌رسد و در عصر غزنویان و سلجوقیان، ایلخانان و تیموریان مورد توجه بوده است (سیدی، چاپ نشده: 27).

دروازه‌های تابران توس

باتوجه به هدف این پژوهش که حصارهای دفاعی تابران توس را با محوریت مقوله‌ی امنیت مورد کنکاش قرار داده، در این‌جا لازم است مختصری از مبحث امنیت توضیح داده شود. «امنیت» در لغت به معنای در امان بودن، ایمنی، آرامش و آسودگی و بی‌بیمی است (عمید، 1384: 275؛ معین، 1386: 131). در بیان نظری نیز امنیت را مفهومی که در گوهر آن مناقشه است، و درباره‌ی معانیش هیچ توافقی نمی‌تواند وجود داشته باشد، شمرده‌اند. و نیز پنج عامل نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در مبحث امنیت دارای اعتبار است (دی ویلیامز، 1390: 33 و 37). به علت موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط ناامنی، سرزمین ایران و مردم آن در زمینه‌ی امنیت، محافظه‌کارترین و با ابتکارترین ملت‌ها به شمار آمده‌اند (فرای، 1363: 17). یکی از راهکارهای تأمین امنیت را می‌توان احداث استحکامات دفاعی دانست و استحکامات

دفاعی در ایران به چهار دسته؛ الف- دیوارها، خندق‌ها و دروازه‌ها، ب- غارها و قلعه‌های صخره‌ای غار مانند، ج- قلعه‌های کوهستانی، و د- قلعه‌های دشتی یا جلگه‌ای تقسیم‌بندی شده است (پازوکی طرودی، 1376: 102). شهر تابران توس به لحاظ امنیتی و تدافعی در میان دشتی واقع بوده که از هر طرف راه مهاجمین بدان باز بوده است و فقدان موانع دفاعی طبیعی باعث می‌شد به سهولت توسط دشمنان مورد حمله قرار گیرد (مصاحب، 1345: 1633)، از این رو نوع استحکامات این شهر در نوع قلعه‌های دشتی به حساب آمده و احداث دروازه‌ها به عنوان حصارهای دفاعی امری اجتناب‌ناپذیر و مهم در تأمین امنیت ساکنین شهر بوده است. دروازه‌ها به‌عنوان یکی از عناصر معماری در ساخت حصار و باروی شهرها از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند و به عنوان راه‌های نفوذ مهاجمان به شهرها نیز مورد توجه قرار می‌گرفتند. بنابراین جهت تأمین امنیت در قسمت‌های داخلی دروازه‌ها، معمولاً فضایی برای کنترل رفت‌وآمدها ایجاد می‌شده است. تعداد دروازه‌های شهرها بسته به اهمیت سیاسی، اجتماعی و بزرگی و کوچکی آن‌ها متفاوت بوده و شهر تابران توس در اوایل دوران اسلامی به عنوان یک شهر مرزی دارای قلعه و برج و باروهایی نیز بوده است. بنابر موقعیت خاص شهر تابران توس در میانه‌ی شهرهای بزرگی چون نیشابور و مرو و کشمکش‌هایی که در سده‌های دوم و سوم هجری قمری در خراسان رخ داده، ساخت حصار مستحکم برای محافظت از آن ایجاب می‌کرده و در متون تاریخی سده چهارم هجری به وجود قطعی حصار بر پیرامون آن اشاره شده است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 285).

در بارو برج‌هایی نیم دایره با فواصل نامنظم تعبیه می‌گردید و در بالاترین قسمت آن، سکویی برای عبور و مرور نگهبان‌ها و کالسکه وجود داشته است. در نوشته‌های کهن از وجود دروازه‌های متعددی در شهر تابران نام برده شده که با اندکی اختلاف تقریباً با یک طرح و نقشه اجرا شده‌اند (مشاهده میدانی نگارندگان). وجود عناصر وابسته به حصار همچون خندق، برج‌ها و پل‌های ارتباطی در شهر تابران قابل توجه است. نظامی عروضی در کتاب چهار مقاله، ضمن روایت موضوع خاک‌سپاری فردوسی به دروازه‌ی رزان و دروازه‌ی رودبار در شهر تابران اشاره کرده است. دروازه‌ها از نظر طرح از سایر قسمت‌های بارو متمایز بوده و محل آن‌ها به شکل مستطیل در داخل حصار ایجاد شده و در قسمت بیرونی معمولاً فضایی برای استراحت کاروانیان در هنگام بسته بودن

دروازه‌ها وجود داشته است. در دو طرف محل اتصال بازوی دروازه به حصار شهر، دو برج قطور قرار داشته و قسمت بالایی این برج‌ها برخلاف سایر برج‌های بارو که معمولاً توپر بوده‌اند به شکل اتاقک‌هایی ساخته شده بودند که نگهبانان از طریق پلکانی وارد آن‌ها شده و به کنترل حصار و محل دروازه می‌پرداختند. به منظور تأمین امنیت شهر تابران که در معرض تهاجم زیادی قرار داشته، تعداد دروازه‌های آن شهر محدود بوده است و جهت تسریع در رفت‌وآمد کاروانیان از این دروازه‌ها، راه‌های مستقیمی به مراکز شهر امتداد می‌یافته که طرح شهرسازی این شهر را نشان می‌دهد (سیدی، چاپ نشده: 15). می‌توان گفت که حصار تابران طی قرون متمادی دست‌خوش تغییرات و جابه‌جایی‌هایی شده است. اما وضعیت موجود حداقل طی چند قرن اخیر، تغییر چندانی نداشته است. اعتمادالسلطنه در اواخر عصر قاجار اطلاعات جالبی را در این خصوص ارائه داده است، به تصریح وی طول حصار شهر تقریباً یک فرسخ بوده و تعداد 106 برج ملحق به بارو در زمان او قابل تشخیص بوده است. این برج‌ها نقش بسیار مهمی در پایداری بارو به عهده داشته‌اند. برج‌ها تماماً توپر بوده و نگهبانان برای پاسبانی برج‌ها بر روی بارو که به سربازگرد معروف است و جان‌پناهی نیز داشته تردد می‌کرده‌اند. در راستای مطالعات و پژوهش‌های باستان‌شناسی در شهر تابران، محل دروازه‌های جنوب شرقی (دروازه مرو)، شمال شرقی (دروازه رزان)، شمال غربی (دروازه نیشابور یا رادکان)، و دروازه رودبار نیز تشخیص داده شده (مشاهده میدانی نگارندگان). از دروازه‌های متعددی که شهر داشته اکنون محل پنج‌تای آن‌ها معلوم است و از این میان تنها سه دروازه نام مشخص دارند: رزان، رودبار و مرو (سیدی، چاپ نشده: 14). در ادامه به معرفی آن‌ها پرداخته شده است.

دروازه مرو؛ دروازه جنوب شرقی

دروازه‌ی مرو در جبهه‌ی جنوب شرقی شهر قرار داشته و اکنون نیز راه نسبتاً پر رفت‌وآمد روستاهای تبادکان و امرغان چون گذشته از میان آن می‌گذرد (مشاهده میدانی نگارندگان). اگر چه در نقشه‌ای که پرسی سایکس در اواخر عصر قاجار از تابران تهیه کرده، موقعیت دروازه‌ی مرو را در شمال غرب شهر ترسیم کرده است و اعتمادالسلطنه نیز به آن اشاره داشته، اما بررسی دقیق موقعیت جغرافیایی مرو و نحوه‌ی ارتباط تابران با راه قدیم خراسان که از سرخس به نیشابور می‌رفته است نشان داده اگر

این ارتباط از جانب جنوب شرقی شهر (محل کنونی دروازه جنوب شرقی) در نظر گرفته شود، درست تر باشد. هر چند متأسفانه در هیچ متن دیگری به نام دروازه‌ی جنوب شرقی شهر اشاره نشده اما در متون و وقایع تاریخی از ارتباط سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای بین تابران و راه بزرگ خراسان اشاره شده است. در پی کاوش‌های صورت گرفته، شکل دروازه، محل تردد، نوع مصالح و بناهای الحاقی و... آن شناسایی شده‌اند (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 286). یکی از این موارد، دیواره‌های قطوری بر کناره‌ی شرقی بارو از جنس خشت و گل هستند که در مجموع اتاق‌هایی را در مجاورت ورودی دروازه شکل داده‌اند. این چنین به نظر رسیده که هدف از ساخت این دیوارها ایجاد فضاهای نسبتاً امن و مسقفی در پشت دروازه بوده باشد که کاروانیان مانده در خارج از شهر در مواقعی که دروازه بسته می‌شده از این فضاها به‌عنوان پناهگاه موقت استفاده می‌کرده‌اند. همچنین مشخص شده است که بنیان حصار بدون پی‌کنی و شالوده‌ریزی بر روی خاک گذاشته شده است (لباف خانیکی و دیگران 1394، 288). یکی از مهم‌ترین نکات قابل توجه در بررسی و شناسایی حصار شهر، اختلاف ارتفاع حصار بین بازوهای شمالی و جنوبی این دروازه است. و دلیل آن این است که بازوی شمالی در زمان محمدخان شیبانی بین سال‌های 910 تا 915 هجری مرمت شده و پس از سال 915 رها شده است که حکایت از تأثیر عوامل انسانی و وقوع حوادث تاریخی دارد، چرا که صرفاً عوامل طبیعی نمی‌توانند در یک نقطه تأثیرات متفاوتی داشته باشد (همان).

از مطالعاتی که به منظور شناسایی زمان احتمال احداث حصار کنونی ایجاد شده، چنین به نظر آمده که بعضی قسمت‌های این حصار بر روی لایه‌ی تاریخی قرون 3 تا 7 هجری ساخته شده است. هنوز طرح حصار اولیه بر ما پوشیده است. به تصریح متون، حمله ویرانگران مغول به سال‌های 617 و 618 باعث غارت و نابودی کامل تابران شده و تا مدت‌ها غیر قابل سکونت بوده است، اما توجه دوباره‌ی کرکوز در سال‌های 624 هجری به بعد باعث رونق و آبادانی مجدد تابران گردید. رونق به وجود آمده مطمئناً در سایه‌ی امنیت صورت گرفته است. به طوری که در سال 750 هجری و در زمان امیر ارغوان جانی قربانی، شهر تابران مرکز ولایت خراسان گردیده و دارای ضرابخانه شده است. حوادث سال 791 هجری و جریان حمله‌ی میران‌شاه تیموری و مقاومت چند ماهه‌ی اهالی تابران خود بیانگر وجود حصاری مستحکم و غیر قابل نفوذ پیرامون شهر

است. به دنبال این وقایع تا پایان حیات تابران دو بار به آبادانی این شهر توجه شده است. یکی در سال 807 توسط شاهرخ تیموری و دیگری در سال 914 توسط محمدخان شییبانی که دستور به ساخت یادگار خانی داده بود. البته این توجهات در هر دوی این موارد کوتاه‌مدت و شتابزده بوده و مطمئناً بازسازی ناتمام دیواره‌ی بازوی شمالی دروازه در نتیجه‌ی همین تلاش‌های ناکام و شتابزده صورت گرفته است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 288).

دروازه رزان؛ دروازه شمال شرقی

این دروازه در ضلع شمالی شهر و در انتهای باغ آرامگاه فردوسی قرار داشته که به سوی روستاهای اخنگان، رضوان و اندرخ گشوده شده است. این دروازه مانند دو دروازه مرو و نیشابور (رادکان) با ایجاد فضایی به شکل مستطیل در قسمتی از امتداد حصار شهر به سمت داخل ایجاد شده و اندازه‌ی این دروازه نسبت به دو دروازه‌ی مذکور بزرگ‌تر است. اهمیت ارتباطات اقتصادی روزانه‌ی تابران با روستاهای آباد این مسیر و وجود قبرستان عمومی شهر که به سفالقان معروف بوده است و همچنین مزارات متبرکه‌ی شرق تابران که مدفن علما و عرفای مشهور این سامان بوده است، از جمله دلایل اهمیت این دروازه به شمار رفته است. بنابراین احساس امنیت نسبی در این قسمت و تردد زیاد اهالی، ساخت دروازه‌ی بزرگ‌تری را ایجاب می‌کرده است. این دروازه شامل دو برج شمال غربی و جنوب شرقی بوده که ظاهراً شکل این برج به چهارگوش نزدیک‌تر بوده و بازوهایی متصل به آن داشته است. مصالح به کار رفته در ساخت حصار مانند سایر قسمت‌ها شامل چینه‌هایی از گل ورز داده شده می‌باشد و چینه‌ها به صورت قطعات گل مکعب مستطیل، پرداخته شده و روی هم چیده شده است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 288).

به فاصله حدوداً صد متری شمال بنای آرامگاه فردوسی یکی از دروازه‌های سترگ شهر فروخته‌ی تابران توس با هیبت تمام قد برافراشته است. این دروازه رو سوی باغستان‌های شهر، به ویژه روستانی تاریخی و مشهور «رزان» دارد. آغاز سده‌ی دهم به آن دروازه‌ی سمرقند هم می‌گفته‌اند. دروازه‌ی رزان سالم‌ترین بخش باره‌ی یک‌فرسنگی و سترگ شهر تابران است. در سال 1347 شمسی که بر اثر توسعه‌ی باغ آرامگاه فردوسی این دروازه به داخل باغ افتاده است. اکنون دیوارهای دیدنی دروازه رزان با

حدود ده متر ارتفاع و شش متر عرض (در پایین) و 2/5 متر در بالا از آثار با ارزش شهر تابران توس است (سیدی، چاپ نشده: 14).

در پی کاوش‌های صورت گرفته مشخص شده است که پی دیوار دروازه اصطلاحاً به شکل بشت‌ماهی ساخته شده و علاوه بر تقویت ایستایی دیواره از تخریب آن بر اثر نفوذ رطوبت جلوگیری کرده است. این بارو از دو طرف دارای شیب است و تفاوت ضخامت آن در پایین‌ترین قسمت با بالاترین قسمت مؤید این مطلب می‌باشد که بنیان دیوار با شفته‌ریزی شکل گرفته و سپس با چینه ساخته شده است. قسمت‌های بالایی حصار از نوعی گل مخلوط با خشت خام و نخاله‌های ساختمانی ساخته شده که بیانگر تخریب و بازسازی‌های متعدد آن است. شواهد نشان داده که در این دروازه نیز مانند دروازه مرو، بقایای فضاهای معماری وجود داشته که در واقع این فضاها پناهگاه مسافرانی بودند که در موقع بسته بودن دروازه به تابران می‌رسیدند (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 288).

دروازه نیشابور (رادکان)؛ دروازه شمال غربی

طرح این دروازه نیز مانند دو دروازه‌ی دیگر شامل دو برج دیده‌بانی توپر متصل به دو بازوی طرفین دروازه در حصار است. این دروازه از دو دروازه‌ی رزان و مرو کوچک‌تر است. مصالح کار رفته در حصار شامل چینه با گل کاملاً ورز داده شده است، به طوریکه کم‌ترین خلل و فرجی در آن دیده شده است (لباف خانیکی و دیگران، 1394: 314؛ مشاهده میدانی نگارندگان).

دروازه رودبار

دروازه‌ی رودبار که به سمت نوغان و سناباد (مشهد کنونی) گشوده می‌شده، معبر آن در امتداد بلوار آرامگاه فردوسی و در مقابل پل جدید کشف‌رود قرار داشته و راه اصلی دسترسی به این مکان است. در مقابل هر یک از دروازه‌هایی که به کشف‌رود مشرف بوده‌اند، پل آجری وجود داشته است که به مرور زمان در جریان سیلاب‌های فصلی از بین رفته و تنها شالوده و آثار مختصری از آن بر جای مانده است. مانند پل مقابل دروازه‌ی نیشابور، پل کشف‌رود که در مطلع‌الشمس و خراسان و سیستان ذکر شده و در مقابل دروازه‌ی رودبار قرار داشته و یا پل «گردوخشتی» که در مقابل دروازه‌ی مرو قرار داشته است (مشاهده میدانی نگارندگان).

از پل نوساز کشف‌رود که بگذریم بلافاصله خود را در مدخل شهر باستانی تابران می‌یابیم و تابلوی خوش‌آمد دیگری با عنوان از «دروازه‌ی رودبار توس» را روبروی خویش می‌بینیم. آن جایی که به دروازه‌ی رودبار نامبردار شده، در جنوب غربی شهر - قبله آن - و پیوسته به پلی است که بر روی کشف رود بسته شده است. از آن جا که دروازه‌ی رودبار فرو ریخته است و به جز دو رشته‌ی دیوار کهن‌سال فرتوت چیز دیگری در چپ و راست آن به چشم نمی‌خورد (سیدی، چاپ نشده: 4).

نتیجه‌گیری

به طور کلی مطالعات نشان داده که دروازه‌ها به عنوان یکی از عناصر معماری در ساخت حصار و باروی شهرها از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند و به عنوان راه‌های نفوذ مهاجمان به شهرها نیز مورد توجه قرار می‌گرفتند. تعداد دروازه‌های شهرهای دوران اسلامی بسته به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز بزرگ بودن و کوچک بودن آن‌ها متفاوت بوده و معمولاً جهت کنترل بیش‌تر عبور و مرور برای تأمین امنیت، تعداد آن‌ها محدود بوده است. دروازه‌های شهر تابران توس تقریباً با یک طرح و نقشه اجرا شده‌اند و معمولاً از مصالح خشت و گل در ساخت آن‌ها استفاده شده است. عوامل طبیعی و انسانی و وقوع حوادث تاریخی در نحوه‌ی ساختار دروازه‌ها نیز تأثیرگذار بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که وجود برج‌ها و باروها در ساختار بیرونی حصار و نیز وجود فضاهایی در قسمت‌های داخلی، جهت کنترل عبور و مرور مردم توسط نگهبانان مورد استفاده قرار می‌گرفتند، بنابراین یکی از راه‌های تأمین امنیت شهر تابران توس به کارگیری نیروی‌های انسانی به عنوان نگهبان بوده است. درب‌های دروازه‌ها صبح هنگام بر روی مردم گشوده می‌شد و عبور و مرور و فعالیت‌های روزانه از سر می‌گرفت و شب هنگام دروازه‌ها بسته می‌شد. در این شرایط اتاق‌هایی در مجاورت ورودی دروازه‌ها احداث می‌گردید تا کاروانیان و افرادی که دیر هنگام به شهر می‌رسیدند، جهت حفظ کالاها و تأمین امنیت در آن اتاق‌ها سکنی می‌گزیدند و تا صبح و هنگام گشودن درب دروازه‌ها به استراحت می‌پرداختند. از دیگر جنبه‌های تأمین امنیت دروازه‌های شهر تابران توس می‌توان به نحوه‌ی ساختار پی‌ها جهت حفظ ایستایی بنا، قطر عریض دیواره‌ها، ارتفاع دیواره‌ها، شیب‌دار بودن دیواره‌ها و استفاده از مصالح با

کیفیت و مرغوب جهت جلوگیری از آسیب‌های احتمالی، اشاره کرد. شایان ذکر است که پس از حمله‌ی مغول و ویرانگری‌های فراوان وارده بر کالبد شهر، پس از بازسازی ویرانه‌ها با مشارکت حکام و مردم، رفته رفته رونق اقتصادی در این شهر پدیدار گشت که به عنوان نمونه احداث ضرابخانه مؤید این موضوع می‌تواند باشد. بدون شک چنین رونق‌های به وجود آمده‌ای در سایه‌ی امنیت امکان‌پذیر است و سیاست‌های حکومتی نیز در این امر بدون تأثیر نبوده است.

منابع

- اسدی توسی، ابومنصور بن احمد (1365)، لغت فرس. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات سروش.
- اشپولر، برتولد (1369)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی. ج 1. ترجمه‌ی جواد فلاطوری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (1368)، مسالک و ممالک. به اهتمام ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (1372)، تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه‌ی حمزه سردادور. تهران: انتشارات توس.
- باسورث، ادموند کلیفورد (1371)، سلسله‌های اسلامی جدید؛ راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بختیاری شهری، محمود (1388)، بررسی سکه‌های ایلخانان مغول در تابران توس. پژوهش‌نامه‌ی تاریخ. سال 4. شماره 15: 33-58.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (1364)، فتوح البلدان. ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش. تهران: انتشارات سروش.
- پازوکی طرودی، ناصر (1376)، استحکامات دفاعی در ایران دوره‌ی اسلامی. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور.
- تاتاری، غلامرضا (1388)، از توس تا مشهد. مشهد: انتشارات ضریح آفتاب.
- جوینی، عطاملک (1365)، تاریخ جهان‌گشای جوینی. ج 1، 2، و 3. به تصحیح محمد قزوینی. تهران: انتشارات بامداد.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ (1375)، سفرنامه‌ی خانیکوف؛ گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی. ترجمه‌ی اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (به نشر).
- خراسانی، حاج محمدهاشم (1388)، منتخب التواریخ. تهران: انتشارات اسلامیه.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (1353)، تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر. به تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات خیام.

- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (1380)، زنده التواریخ. تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید کمالی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی، هاشم؛ انصاری، مجتبی؛ طاووسی، محمود؛ موسوی کوهپر، سیدمهدی (1386)، تأثیر عوامل جغرافیایی بر تکوین، گسترش و نابودی شهر تابران توس. نشریه‌ی مدرس علوم انسانی. سال 11. شماره 1: 1-23.
- حناچی، پیروز؛ صابری کاخکی، سیاوش (1385)، طراحی امروز در شهر دیروز؛ مطالعه‌ی موردی توس. نشریه‌ی هنرهای زیبا. شماره 28: 55-64.
- دالمانی، هانری رنه (1335)، سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری. ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دیاکونوف، ایگور میخایلوویچ (1380)، تاریخ ماد. ترجمه‌ی کریم کشاورز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (1368)، اخبار الطوال. ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی. تهران: انتشارات نشر نی.
- دی‌ویلیامز، پل (1390)، درآمدی بر بررسی‌های امنیت. ترجمه‌ی علیرضا طیب. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رشید، حجت اله؛ پیش‌کار، نوشین (1393)، تبیین عوامل افزایش امنیت شهر. اولین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری. همدان؛ دبیرخانه‌ی دائمی همایش. 1 خرداد 1393.
- رضایی، محمدرضا؛ اسمعیل‌پور، فاطمه (1396)، روش‌های تأمین امنیت در شهرهای اسلامی در قدیم. کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران. شیراز؛ دبیرخانه‌ی دائمی کنفرانس. 14 اردیبهشت 1396.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1371)، تاریخ مردم ایران. ج 1. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (1374)، روزگاران؛ تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی. ج 1. تهران: انتشارات سخن.
- سیدی، مهدی (چاپ نشده)، توس در تاریخ و فرهنگ ایران. مشهد: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (1363)، مجمع الانساب. به تصحیح میرهاشم محدث. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- شیعه، اسماعیل (1378)، با شهر و منطقه در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صالحی، فرزانه؛ روشنایی بدر، تورج (1394)، مبانی شکل‌گیری امنیت در طراحی کالبدی فضاهاى شهرهای اسلامی. سومین همایش ملی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی در افق 1404. نطنز؛ دانشگاه آزاد اسلامی. 6 اسفند 1394.
- طغرایى، محمود (1379)، اظهارات شفاهی. مشهد: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- عبدالستار عثمان، محمد (1376)، مدینه‌ی اسلامی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، حسن (1384)، فرهنگ عمید. ج 3. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غزالی، امام محمد. (1362). مکاتیب فارسی غزالی؛ فضائل الانام من رسائل حجت‌الاسلام. به تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرای، ریچارد (1363)، عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات سروش.
- قصابیان، محمدرضا (1377)، تاریخ مشهد (از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه). مشهد: انتشارات انصار.
- قفس اوغلی، ابراهیم (1367)، تاریخ دولت خوارزمشاهیان. ترجمه‌ی داود اصفهانیان. تهران: انتشارات گستره.
- گردیزی، ابوسعید ابوالحی بنی ضحاک (1347)، زین الاخبار. به تصحیح عبدالحی حبیبی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لباف خانیکی، رجبعلی؛ بختیاری شهری، محمود؛ طغرایى، محمود؛ نعمتی، بهزاد؛ لباف خانیکی، مجید (1394)، شناخت تابران (توس). ج 1. مشهد: انتشارات آهنگ قلم.
- مارکوارت، یوزف (1373)، ایران شهر؛ بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه‌ی مریم میراحمدی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مدیرشانه‌چی، کاظم (1345)، مزارات خراسان. مشهد: مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه مشهد.
- مشاهده میدانی نگارندگان.
- مصاحب، غلامحسین (1345)، دایره المعارف فارسی. تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- معین، محمد (1386)، فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات هنرور.

- مقدسی، ابوبراهیم محمد بن احمد (1361)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ج 2. ترجمه‌ی علی‌نقی منزوی. تهران: انتشارات شرکت مترجمان و مؤلفان ایران.
- موسوی، محمود (1370)، توس شهر خفته در تاریخ. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مؤید ثابتی، علی (1355)، تاریخ نیشابور. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- میرمنشی قمی، احمد بن حسین (1383)، خلاصه التواریخ. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (1363)، تاریخ بخارا. ترجمه‌ی ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبوی به تصحیح سید محمدتقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات توس.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (1343)، تاریخ یعقوبی. ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.